۱
ماجرا چیست؟

چرا کاندیداها، منابع مالی خود را اعلام نمی‌کنند؟

پیروزی با چاشنی اسکناس؟

عکس: مهدی حسنی/ شهروند

لیلا مهداد| در آستانه انتخابات مجلس هشتم بود که سخنگوی دولت درباره سرنوشت نامعلوم ۷۰۰میلیارد دلار لفظ «خوردن و قورت‌دادن» را به کار برد و معاون اول رئیس‌جمهوری سخن از ۲۲میلیارد دلار پول بدون برگشت به کشور به میان آورد، زمانی که مکانیزم توزیع پول توسط رحیمی اعلام شد، البته هشدارهای وزیر کشور درباره ورود پول‌های کثیف به عرصه سیاست و کسب قدرت در کنار شنیده‌هایی از دولت قبل، نگرانی‌ها را تشدید کرد؛ نگرانی‌هایی که بررسی سیاست‌های کلی انتخابات را در مجمع تشخیص مصلحت نظام سرعت داد، البته سخنان وزیر کشور در باب پول‌های کثیف هشدارهایی از سوی بهارستان به همراه داشت؛ هشدارهایی که در نطق علی لاریجانی اوج خود را به نمایش گذاشت، زمانی که رئیس مجلس خطاب به وزیر کشور گفت: «اگر در انتخابات اخیر آقایان با این روش پیروز شده‌اند، بگویند»، البته واکنش‌های رئیس‌مجلس مصادف با اخبار مربوط به رحیمی بود که سر زبان‌ها افتاده بود و بحث تا جایی دامنه‌دار بود که افکار عمومی با واکنش‌هایی از این دست آن را فراموش نمی‌کردند. درواقع صحبت از ورود پول‌های کثیف در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست سبب شد مجمع تشخیص مصلحت نظام الزام شفافیت منابع مالی کاندیداها را در انتخابات تصویب کند، البته وزارت کشور اعتقادی به کافی بودن این مصوبه نداشت و این درحالی بود که دولت برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی لایحه‌ای را با قید دو فوریت تقدیم مجلس کرد، اما آذر ۹۴ با وجود درخواست دولت روحانی این لایحه از سوی نمایندگان رد شد و یک‌فوریت آن در آرشیو مجلس جا خوش کرد، این درحالی است که تا چندی دیگر پوسترها و بنرها زینت‌دهنده درودیوار شهر می‌شوند؛ پوسترهایی که تنها چندروزی بر کوچه‌وبازارها نقش می‌بندند و بعد تلی از زباله می‌شوند؛ زباله‌هایی که هزینه‌های هنگفتی را پشت‌سر خود به‌جا می‌گذارند تنها برای این‌که لحظاتی در شهر شلوغ به چشم بیایند یا لحظه‌ای در دست عابری قرار بگیرند و این تنها بخش کوچکی از بریزوبپاش‌های انتخاباتی است؛ هزینه‌کردهایی که نام تبلیغات به خود می‌گیرند.

در حقیقت از زمانی که صنعت، زندگی بشر را احاطه کرد، تبلیغات نیز برای یافتن جایگاه خود به تکاپو افتاد تا جایی که شکل‌وشمایل علمی به خود گرفت و فاکتور مهمی به حساب آمد؛ فاکتوری که پا در دنیای سیاست نیز گذاشته و در عرصه انتخابات میدان‌داری می‌کند تا طعم پیروزی را به جناح خود بچشاند؛ پیروزی‌ای که گاهی اوقات با تعداد زیادی صفر که در مقابل عددی صف کشیده‌اند، حاصل می‌شود. شاید برای همین صفرها بود که شفافیت منابع مالی و هزینه‌های انتخاباتی مطرح شد؛ شفافیتی که در ایران شکل لایحه به خود گرفت و با این‌که به انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری می‌رسیم هنوز نتوانسته قبای تصویب به تن کند؛ قبایی که نامزدهای انتخاباتی را ملزم می‌کرد منابع مالی خود را تنها از مجاری مجاز اعلام‌شده تأمین و این منابع را صرفا برای هزینه‌های تعیین‌شده پرداخت کنند. براین اساس داوطلبان علاوه بر افتتاح حساب خاص به‌عنوان تنها محل واریز و برداشت نقدی باید تمامی منابع و مصارف خود را برای امکان حسابرسی ثبت کنند، البته پیش از این لایحه، قوانینی برخی چارچوب‌های تبلیغات انتخاباتی را مشخص کرده بودند؛ قوانینی که چگونگی تأمین منابع مالی داوطلبان و هزینه‌های آن و همین‌طور سازوکاری برای نظارت بر این‌گونه مخارج را پیش‌بینی نکرده بودند. اما حالا شمارش معکوس برای انتخابات شروع شده‌است، درحالی که هنوز تکلیف یک‌فوریت به‌جامانده مشخص نیست، چون هنوز نمایندگان به اتفاق‌نظر نرسیده‌اند، چون گروهی بر این عقیده‌اند که اگر دولت لایحه یادشده را پس نگرفته باشد، مجلسی‌ها می‌توانند روی بندهای همان لایحه کار کنند، اما عده‌ای دیگر بر این باورند که دولت باید به مجلس جدید، لایحه جدید بفرستد و گروهی دیگر نیز تأکید دارند که در لایحه تجمیع قوانین انتخاباتی، مسأله شفاف‌سازی انتخابات نیز لحاظ خواهد شد. برای آشکارشدن اهمیت شفافیت مالی کاندیداها و لزوم تصویب این لایحه برای جلوگیری از ایجاد رانت‌های احتمالی پای صحبت‌های افراد فن نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

پیشینه

۲

هزینه‌هایی که به زبان آمدند

شفافیت مالی انتخابات مبحثی است که همیشه در مورد آن صحبت‌هایی شده است؛ صحبت‌هایی که رد فوریت‌ها نشان از آن دارند که هنوز به تصویب نرسیده و بی‌شک انتخابات ۹۶ نیز تصویب و الزام آن را به خود نخواهد دید؛ قانونی که از سال آخر مجلس نهم هنوز نتوانسته خود را به سر منزل تصویب برساند تا این الزام به وجود بیاید که احزاب و افرادی که وارد کارزار انتخابات می‌شوند از میزان هزینه‌ها و منابع آن بگویند، البته در انتخابات سال ۹۲ بود که ستاد آقای غرضی سنت‌شکنی و از هزینه‌کردهای خود پرده‌برداری کرد؛ پرده‌برداری از ۵۹میلیون تومان هزینه. نفر پانزدهم لیست امید نفر بعدی بود که بدون هراس از شفافیت مالی خود گفت.

درواقع مهدی شیخ کل هزینه‌های انتخاباتی خود به همراه کمکی که به لیست امید داشته را در مجموع حدود ۶۰میلیون تومان اعلام کرد: «حدود ۳۰۰میلیون توسط آقای مرعشی به حساب ستاد واریز شد که بعدا به حساب کاندیدای حزب کارگزاران گذاشته شد و فرد شناخته‌شده‌ای هم حدود صدمیلیون به حساب ستاد به‌صورت نقدی واریز کرد و دیگر هیچ کمک نقدی‌ای به حساب واریز نشد تا این‌که لیست تهران بسته شد و بعد از بستن لیست قرار شد افرادی که در لیست امید تهران بودند، نفری ۵۰میلیون برای هزینه‌های ستادهای انتخاباتی به حساب ستاد تهران واریز کنند که از ۳۰ نفر آقای عارف دو برابر سهم خود را به حساب ستاد انتخاباتی تهران واریز کردند. خانم صفدر حسینی هم سهم خود را پرداخت کرد، البته برخی دیگر هم تا سهم ۵۰میلیون را در چند بخش واریز کردند و عده‌ای هم کمتر از سهم خود دادند، با این وجود نصف مبلغی که پیش‌بینی می‌شد، تأمین نشد.» محمدباقر قالیباف، شهردار تهران که نامزد انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری نیز بود، در پاسخ به سوالی مبنی بر این‌که هزینه تبلیغاتی و انتخاباتی شما از کجا تأمین می‌شود؟ اعلام کرد: کل هزینه تبلیغاتی او در انتخابات ۱۳۸۴، ۳میلیارد تومان بوده است که از این مقدار ۶۰۰میلیون تومان را یک جانباز با فروختن خانه‌اش به ستاد انتخاباتی بخشیده است.

تجربه دیگران

۶

کاندیدایی در پس کوچه‌های رانت

فرانسوا فیون دورانی را به‌عنوان نماینده سنای فرانسه پشت‌سر گذاشت و نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه شد، اما گویی این نامزدی خوش‌یمن نبود و نشریه فکاهی سیاسی «کنق‌آن‌شنه» دست به افشاگری زد؛ افشاگری‌ای که گویای این مسأله بود که فیون در زمان نمایندگی سنای فرانسه دو نفر از فرزندانش را به‌عنوان مشاور، انتخاب و در مجموع مبلغ ۸۴هزار یورو به آنان پرداخت کرده است، البته در این میان سخن از ۹۰۰هزار یور به میان آمد که گفته می‌شد فیون در ازای همکاری با نشریه «قوو د دو موند» دریافت کرده است، البته افشاگری به همسر فرانسوا رسید و صحبت از این به میان آمد که به‌طور غیرقانونی به‌عنوان مشاورش انتخاب شده و ۵۰۰هزار یورو به مجلس فرانسه بار مالی تحمیل کرده است، افشاگری‌هایی که فرانسوا را از راه‌یافتن به کاخ الیزه محروم کرد.

لولا داسیلوا طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ رئیس‌جمهوری برزیل بود که به اتهام مشارکت در پرونده خریداری رأی در کنگره که منجر به محکوم‌شدن تعدادی از همکاران نزدیک وی به جرم فساد مالی شد، از سوی دستگاه قضائی تحت بازجویی قرار گرفت. پرونده خرید رأی در سال ۲۰۰۵ به اوج خود رسید و موجب تضعیف جایگاه دولت لولا در برزیل شد؛ پرونده‌ای که به بزرگترین پرونده فساد مالی در تاریخ برزیل تبدیل شد. نکته قابل تامل این بود که سنای برزیل «دیلما روسوف» جانشین داسیلوا را نیز به دلیل زیر پا گذاشتن قوانین بودجه مجرم دانست و از ریاست‌جمهوری برکنار کرد.

بان کی‌مون از سال ۲۰۰۷ تا پایان سال ۲۰۱۶ دبیرکل سازمان ملل متحد بود؛ مردی که احتمال می‌رفت قصد ورود به رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری کره‌جنوبی را داشته باشد به دلیل دخالت بستگانش در پرونده رشوه و فساد مالی در آمریکا مجبور به عذرخواهی شد. دادستان‌های آمریکا برادر و برادرزاده بان کی‌مون را به رشوه دادن به یک مقام رسمی اهل یک کشور در خاورمیانه از طریق واسطه آمریکایی متهم کردند.

بعد از انتشار اسناد شرکت پنامایی موساک فونسکا موسوم به «اوراق پاناما» و افشای پولشویی و فساد مالی سران برخی کشورها از جمله پدر دیوید کامرون و مشخص‌شدن سهیم بودن کامرون در شرکت برون‌مرزی پدرش او را با فشارهای زیادی روبه‌رو کرد؛ فشارهایی که کامرون را به تکذیب این افشاگری‌ها واداشت، این درحالی بود که برمبنای «اوراق پاناما» پدر نخست‌وزیر انگلیس «یان کامرون» ضمن ارتباط با شرکت موساک فونسکا با ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری در باهاماس (شرکت بلیرمور هولدینگز) در یکی از مخفیانه‌ترین روش‌های تجارت برون‌مرزی از مالیات فرار می‌کرده است. به نوشته گاردین شرکت بلیرمور در ۳۰سال گذشته هیچ مبلغی در قبال سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری در حساب‌های خارج از کشور در انگلیس پرداخت نکرده‌است.

نگاه موافق

۳

پیش از قانون جدید، نیازمند برخورد هستیم

موید حسینی‌صدر- نماینده سابق مجلس| هر زمان که به انتخابات نزدیک می‌شویم چه انتخابات مجلس، شورای‌شهر و چه ریاست‌جمهوری مباحث انتخاباتی داغ می‌شوند و جنبه‌های مختلف این رویداد مورد واکاوی قرار می‌گیرند، البته با توجه به صحبت‌هایی که در مورد ورود پول‌های کثیف به میان آمد، یکی از جنبه‌های اساسی انتخابات یعنی شفافیت منابع مالی نامزدها مطرح شد که این روزها اخبار و نوشته‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است. در پاسخ به این پرسش که آیا حمایت‌های مالی از نامزدهای انتخاباتی ایجاد رانت می‌کند باید بگویم بله. انتخابات رویدادی است که نیازمند هزینه‌های بالایی است و از آن‌جایی که ما حزب –شاید به معنای واقعی کلمه- نداریم گروهی از کاندیداها از منابع مالی خود بهره می‌برند که به‌دلیل محدود بودن آن، شکست در رقابت را تجربه می‌کنند، البته عده‌ای از این دسته هستند که بعد از پیروزی با فروش خانه و... هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند. یکی دیگر از آثار سوء نبود حزب این است که عده‌ای کاندیداهای قابل سرمایه‌گذاری را شناسایی می‌کنند و سرمایه‌گذاری خود را از همان‌جا استارت می‌زنند و بعد از پیروزی کاندیدای موردنظر با نگاه اقتصادی‌ای که دارند، انتظار دارند سرمایه‌گذاری‌شان به مرحله ثمردهی برسد، البته باید افزود که نماینده انتخابی چه در مجلس و چه شورا نیز ناچار به ادای دین است. این نوع از سرمایه‌گذاری نیز به یک شکل و رویه صورت نمی‌گیرد و اشکال مختلفی دارد. درواقع سطح کمک مالی در انتظارات حامی از نماینده منتخب دخیل است. به‌عنوان مثال در شهرهای کوچک مبالغ حمایتی ارقام پایین‌تری است، به شکلی که اگر این حمایت در انتخابات شورای شهر صورت گرفته باشد، درخواست‌ها در حدواندازه‌های گرفتن مجوز برای طبقات اضافه، استخدام آشنایان در شهرداری یا در زیرمجموعه‌های آن همچون تاکسیرانی، مجوز مغازه یا قید قراردادی برای نظافت شهر باقی می‌ماند، اما در کلانشهرها همان میزان که ارقام درشت می‌شوند، خواست‌ها نیز قد می‌کشند. در شهرهای بزرگ حمایت‌ها ارقام چندمیلیاردی است و خواست‌ها به پروژه‌های تجاری و اداری و... می‌رسند. البته ماجرا به همین سادگی‌ها نیز نیست، چون در این مسأله سرمایه‌گذار شواهد و اسنادی را در حین سرمایه‌گذاری فراهم می‌آورد تا با استناد به آنها به خواسته‌های خود دست بیابد. مصداقی در این زمینه می‌تواند به حل مسأله کمک کند. فردی برای نمایندگی مجلس شناسایی می‌شود، گام نخست این است که سفری به ترکیه، دوبی و... در برنامه قرار بگیرد. در این سفر سرمایه‌گذار با گزینه شناسایی‌شده در مکان‌های مختلف ظاهر می‌شود و بی‌شک عکس‌هایی به یادگار گرفته؛ عکس‌هایی که برای سرمایه‌گذار حکم مدارک و سند دارد. گزینه در انتخابات پیروز می‌شود و حالا نوبت ادای دین است و متاسفانه این ادای دین تا جایی پیش می‌رود که سرمایه‌گذار در مسائل مختلف دخالت می‌کند. به‌عنوان مثال وزیری باید استیضاح شود؛ سرمایه‌گذار با نفوذی که در نماینده یا نمایندگان دارد، تأثیر خود را می‌گذارد. متاسفانه این دست از مسائل وجود دارد، به‌طوری که یک‌سال پیش آیتا... جنتی در جایی فرمودند مسائل مالی تاثیرگذار شده و باید فکری برای آن کرد. در این زمینه لایحه برای شفافیت منابع مالی نیز ارایه شد که در زمان خود پیگیری‌های زیادی صورت گرفت و اجرایی نشد، البته هربار با نزدیک‌شدن به انتخابات مباحث، شرایط و بازنگری انتخاباتی موردتوجه قرار می‌گیرد و اجرایی‌شدن آن تا به امروز به انتخابات بعدی موکول می‌شود، این درحالی است که بدون تصویب قانون جدید، ما قوانینی داریم که به مسائلی از این دست رسیدگی کنند. جدا از این قوانین استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند «نمایندگان برای مردم آمده‌اند و نباید زیرسایه سرمایه‌داری بروند» سند محکمی است برای جلوگیری از رانت‌هایی از این دست. به‌شخصه معتقدم این دست از مسائل پیش از این‌که نیاز به قانون تازه داشته باشند، نیازمند برخورد هستند. در سطح جهانی کم اخباری از دادگاهی و محکوم‌شدن افراد و مسئولان عالرتبه متخلف جوامع مختلف نشنیده‌ایم!

نظر کارشناس

۴

لایحه‌ای که کار مشترک دولت و مجلس را می‌طلبد

محمدعلی‌پورمختار -عضوکمیسیون حقوقی‌وقضائی

تبلیغات بخش لاینفک انتخابات در دنیای امروز است؛ بخشی که مبالغ بالایی را می‌طلبد و برای همین است که پای اسپانسرها به این مسأله باز می‌شود، اما این‌که گفته شود همه حامیان مالی به‌دنبال رانت و بهره‌بردن از پیروزی نامزدهای مورد حمایت خود هستند، درست نیست اگرچه نمی‌توان چنین تفکر و عملی را نیز کتمان کرد. نکته‌ای که در این مورد باید مدنظر قرار داد این است که مبالغ صرف‌شده برای حمایت تاثیرگذاری بالایی دارد؛ تاثیرگذاری که سبب شد وزیر کشور صحبت‌هایی از به میان آمدن پول‌های کثیف داشته باشند. اهمیت این موضوع تا جایی بود که لایحه‌ای تحت مضمون شفافیت مالی کاندیداها با دو فوریت به مجلس ارایه شد؛ دو فوریتی که یک فوریت آن تصویب شد و تصویب فوریت آن با اتمام مجلس روبه‌رو شد، به‌طوری که دولت از مجلس باید بخواهد تصویب آن فوریت را در دستور کار خود قرار بدهد تا به آن رسیدگی و تصویب شود، البته باید درنظر داشت که در این لایحه، دولت ممنوعیت یا محدودیتی برای اخذ حمایت‌ها قایل نشده و بیشترین توجه به شفافیت منابع و هزینه کرد آنها بوده است و براساس شایعاتی که بعضا وجود داشته و هیچ‌وقت نیز تأیید نشد، محدودیت‌هایی برای گرفتن حمایت از کشورهای دیگر مدنظر قرار گرفته است. درواقع آنچه رعایت و اجرایی کردن آن اهمیت دارد این است که کاندیداهای انتخابات باید منشأ منابع مالی دریافتی خود از اسپانسرها را رسما و شفاف به نهادهای نظارتی و اجرایی انتخاباتی اعلام کنند، در این شرایط اگر فرد چه در انتخابات مجلس، چه شورا و چه ریاست‌جمهوری پیروز شود، رصد دارایی‌ها و تغییرات آن عملی خواهد بود، البته اخیرا سیاست کلی انتخابات به تصویب مقام‌معظم رهبری رسیده‌است. قبل از این قوانینی در این زمینه وجود داشته است، اما جزو اولویت‌های دولت‌ها و مجالس نبوده و همین مسأله شائبه‌هایی را به‌وجود آورد و تبلیغات منفی‌ای برای نمایندگان در پی داشت. راه‌حل این است که دولت و مجلس در کار مشترکی این لایحه را تصویب کنند. نتیجه شفافیت مالی کاندیداها سبب می‌شود مردم با اطمینان بیشتری در انتخابات شرکت کنند و بی‌شک مشارکت مردمی افزایش خواهد یافت و در مقابل نمایندگان نیز به‌واسطه این شفافیت در ترسیم فضای آینده و رفتارهای سیاسی خود موفق‌تر خواهند بود.

نگاه مخالف

۵

اسپانسرهایی که دوست دارند ناشناس بمانند

سیدحسین نقوی‌حسینی- سخنگوی فراکسیون امنیت ملی و سیاست خارجی| از آن‌جایی که ما در انتخابات صاحب احزاب فراگیر و کلان نیستیم و افراد به‌طور انفرادی یا تحت‌حمایت جناح‌ها کاندیدا می‌شوند و فعالیت انتخاباتی دارند، ضرورت شفافیت مالی در حوزه هزینه‌های انتخاباتی بیشتر احساس می‌شود. زمانی که احزاب وارد کارزار انتخابات می‌شوند از مکانیزم مالی مشخصی پیروی می‌کنند و برای همین هزینه‌ها و منابع شفاف هستند، اما زمانی که افراد نامزد انتخابات می‌شوند و به‌طور مستقل فعالیت می‌کنند، در این شرایط هزینه‌کردهای انتخاباتی از منبع تأمین هزینه تا منابع مصرفی مشخص نیست؛ این‌که کاندیدا به‌شخصه هزینه‌ها را تقبل کرده یا اسپانسرهایی در این زمینه حمایت‌هایی داشته‌اند. درواقع ابهاماتی در مراحل مختلف آن به وجود می‌آید که این ابهامات مشکل‌زا می‌شوند. مجلس تلاش کرد با ارایه طرحی شفافیت تأمین مالی کاندیداها را به تصویب برساند، ولی به دلیل ایراداتی که طرح داشت به سرانجام نرسید، البته لایحه‌ای نیز به مجلس ارایه‌شده که هنوز در دستورکار مجلس قرار نگرفته است، اما به‌واقع ضرورت دارد که ما به لحاظ هزینه‌کردهای انتخاباتی، نامزدها را مکلف کنیم حساب هزینه‌های انتخابات خود را اعلام کنند، حتی در مورد منابع مالی که به‌دست می‌آورند اطلاعاتی ارایه بدهند، البته موانعی نیز بر سر راه اجرایی‌شدن این ضرورت وجود دارد؛ یکی از موانع این است که برخی افراد بر این باورند که شفافیت مالی و ارایه اطلاعات در مورد تأمین منابع مالی نوعی تخلف به حساب می‌آید و این درحالی است که عدم‌شفافیت منابع سبب عدم‌شفافیت مطالبات دوطرف می‌شود، البته باید تأکید کرد که ترس از شفافیت مالی بیشتر از طرف بنگاه‌های اقتصادی که نقش اسپانسر را ایفا می‌کنند، وجود دارد، چون نمی‌خواهند برچسب حمایت از نامزدی با آنها همراه شود. به‌عنوان مثال زمانی که یک بنگاه اقتصادی از نامزدی حمایت می‌کند و این حمایت علنی می‌شود، افکار عمومی آن بنگاه اقتصادی را به نامزد موردنظر منتسب می‌دانند، بنابراین حامیان مایل به افشای نام‌شان نیستند و برای همین نه حامیان و نه نامزدها مایل به این شفافیت نیستند. یکی از موانع دیگر نبود حزب است، چون در سایه وجود احزاب کمک‌ها هم مخفی می‌مانند و هم هزینه‌کردها و منابع واضح و مبرهن هستند. درحالی که در کاندیدایی مستقل این ترس و دلهره وجود دارد که فاش‌شدن منابع برچسب وابستگی را به دنبال داشته باشد، بنابراین سعی می‌کنند پنهان‌کاری کنند. در سایه عدم‌شفافیت‌های مالی شائبه‌هایی در افکار عمومی به وجود آمده است که به‌واقع حق مردم است؛ در شرایطی که تمام زندگی و دارایی فرد یا افرادی از این جامعه به چندصدمیلیون نمی‌رسد و شاهد مخارج میلیاردی انتخاباتی است، این سوال برایش ایجاد می‌شود که این مبالغ چگونه تأمین شده است و اگر فرد یا بنگاهی منبع این حمایت‌ها بوده در مقابل چه خواسته‌هایی دارد و چه امتیازاتی را خواهان است.

لینک‌ها

۷

انتخابات در تمام جوامع رویدادی است سرنوشت‌ساز. رویدادی که با نزدیک‌شدن به آن، زوایای مختلفش موردتوجه قرار می‌گیرد و در این میان شفافیت تأمین مالی کاندیداها مبحثی است جنجالی که شائبه‌هایی را نیز به وجود آورده است. برای آشنایی با اهمیت این شفافیت و لزوم آن علاوه به مباحث این صفحه، لینک‌های زیر نیز می‌توانند کمک‌کننده باشند.

تابناک	http: //www.tabnak.ir/fa/news/679340
تسنیم	911517/18/08/https: //www.tasnimnews.com/fa/news/1394
فرارو	/http: //fararu.com/fa/news/253773
خبرآنلاین	/http: //www.khabaronline.ir/(X(1)S(11))/detail/642330
اقتصادنیوز	http: //www.eghtesadnews.com